

بررسی تطبیقی مسأله امر به معروف و نهی از منکر در آخرالزمان، جمهوری اسلامی ایران و حکومت جهانی امام عصر^{علیه السلام}

دکتر محمدهادی همایون*

محمود مطهری‌نیا**

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین آموزه‌های دینی به شمار می‌آیند که ترک این دو آموزه و بی‌توجهی به مصادیق دینی معروف و منکر در عرصه‌های مختلف دینی، اجتماعی و... از جمله مواردی است که در دوره پیش از ظهور قابل مطالعه است. احیا و توسعه این دو آموزه دینی پس از ظهور نیز، صحنه زیبای دیگری را از این دوره به تصویر می‌کشد. به سبب اهمیت این موضوع، اصل هفتم قانون اساسی و عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در این راستا مورد بررسی قرار گرفته است. لذا پرسش اصلی در این پژوهش، بررسی جایگاه موضوع امر به معروف و نهی از منکر در سه مقطع زمانی آخرالزمان، انقلاب اسلامی ایران و دوره پس از ظهور امام عصر^{علیه السلام} می‌باشد.

واژگان کلیدی

امر به معروف، نهی از منکر، آخرالزمان، ظهور، قانون اساسی، ایران.

*. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق^{علیه السلام}.

** . دانشجوی دکترای تاریخ و تمدن اسلامی.

مقدمه

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، حاصل قرن‌ها قیام و جنبش عدالت‌خواهی است که بعد از سال‌ها به ثمر نشست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، از اولین اقداماتی که با درایت و تدبیر رهبر کبیر و فقید انقلاب، حضرت امام خمینی ره، انجام شد، فراهم کردن زمینه‌های تدوین قانون اساسی بود. قانون اساسی با تمام فراز و نشیب‌های خود، تصویب شد و با رفراندوم و همه‌پرسی مردمی برای تمام ایرانیان لازم الاجرا شد. قوانین مندرج در قانون اساسی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. دسته‌ای از قوانین، عیناً از مبانی اسلامی اقتباس و درج شده‌اند که از این دسته می‌توان به اصل امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. محتوای این قوانین مورد قبول همه معتقدان به اسلام است.

۲. دسته‌ای از قوانین حاصل استنباط و اجتهاد علما بوده و برخلاف قوانین دسته اول، ممکن است تصریحی درباره آن یافت نشود. از این دست قوانین می‌توان به اصل مترقی ولایت فقیه اشاره کرد. درباره محدوده اختیارات ولایت فقیه، بین برخی از فقها و علما دیدگاه‌ها و اختلافاتی وجود دارد.

۳. قوانینی که به صورت مستقیم و صریح از اسلام و قواعد اسلامی استنباط نشده‌اند و با قواعد و قوانینی، کارکرد اسلامی به آنها داده شده است. این دسته از قوانین، حاصل توافق و برخاسته از خرد جمعی است؛ برای نمونه می‌توان به اصولی که چگونگی تصویب قوانین در مجلس و تأیید نهایی آنها توسط شورای نگهبان را بیان می‌کنند، اشاره کرد.

۴. امر به معروف و نهی از منکر، شاه‌رگ حیاتی اسلام و جامعه اسلامی به شمار می‌آید و به تعبیر روایات، فریضه‌ای بزرگ است که دیگر فرایض با آن قوام می‌یابند (کلینی، کافی، ج ۵: ۵۵) و هرگاه بدان‌ها عمل شود، امت اسلام روی خیر و خوشی خواهد دید؛ عمل بدان‌ها، عزت یافتن از جانب حق متعال و ترک آنها، خذلان و خواری (همان، ج ۵: ۵۹) و نیز بغض و قهر الهی را به دنبال خواهد داشت. (صدوق، معانی الاخبار: ۳۴۴) عمل کردن به آن دو - برخلاف تصور عوام - نه امر کننده و ناهی را به استقبال مرگ

می‌کشاند و نه او را از آنچه که به عنوان روزی، مقدر او گشته، محروم می‌سازد. (قمی، تفسیرقمی، ج ۲: ۳۶) در عین حال دوره‌ای از تاریخ حیات بشری که از آن با «آخرالزمان» یاد می‌شود و در ادیان و مکاتب مختلف به تفصیل از تحولات و دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی و طبیعی آن، سخن به میان آورده‌اند، سبب تغییر در نگرش انسان‌ها نسبت به همه امور و مسایل در جوامع مختلف و از جمله جامعه اسلامی خواهد شد. یکی از این موارد که در جامعه اسلامی، به شدت دچار تغییر و تحول می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و عدم امکان پرداختن به همه اصول و مقایسه آنها با قواعد و قوانین پس از ظهور، ابتدا سیمای عمومی جهان را با توجه به مقوله امر به معروف و نهی از منکر و با استفاده از روایات، بررسی کرده و سپس به موضوع امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی پرداخته و به دنبال آن از موضوع امر به معروف و نهی از منکر، پس از ظهور امام عصر علیه السلام سخن خواهیم گفت. در این نوشتار که با روش کتابخانه‌ای و تحلیل مقایسه‌ای است، سعی شده با در نظر گرفتن گزارش‌های متعدد مرتبط با این دو مقوله که معمولاً به عنوان توصیف دوره قبل و بعد از ظهور در روایات آمده، رویکردی تازه به آنها شود. در آثاری مانند «مهدی منتظر علیه السلام» نوشته مرحوم آیت الله خراسانی و نیز برخی دیگر از آثار، درباره امر به معروف و نهی از منکر در آخرالزمان، تنها از زاویه ترک این دو و گاه نهی از معروف و امر به منکر نگریده شده است؛ از همین رو باقی مطالب و خصوصاً امر به معروف و نهی از منکر در دوره پس از ظهور و نیز مقایسه آن با نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا حدی فاقد پیشینه تحقیق از حیث رویکرد و دسته بندی مطالب است و نوعی نوآوری به شمار می‌آید.

آخرالزمان (مفهوم و ویژگی‌ها)

«آخر زمان» که در کتاب‌های لغت به «دوره آخر» (معین، فرهنگ معین، ج ۱: ۳۴) و «قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد» (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱: ۴۲) معنا

شده است، در فرهنگ و ادبیات بسیاری از ملل و نحل، به ویژه پیروان ادیان ابراهیمی، از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده و آنها با حساسیت و دقت فراوانی این موضوع را دنبال می‌کنند. شاهد بر این موضوع، مطالب فراوانی است که از دیر زمان در زمینه نشانه‌ها و ویژگی‌های آخرالزمان در منابع و متون دینی اقوام و ملل گوناگون یافت می‌شود.^۱

مسلمانان نیز با توجه به روایت‌های فراوانی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام در زمینه آخرالزمان و رویدادها و حوادث آن نقل شده، توجه فراوانی به این موضوع داشته و افزون بر جمع‌آوری این روایات در مجامع روایی (ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶: ۲۹۵ - ۳۱۶، ج ۵۲: ۱۸۱ - ۲۷۸؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۳: ۵؛ سجستانی، سنن ابی داود، ج ۳: ۹۷ - ۱۲۸) به تألیف کتاب‌های مستقل در این زمینه پرداخته‌اند. این کتاب‌ها معمولاً با عناوینی چون *أشراط الساعة*، *علامات الساعة*، *علامات يوم القيامة*، *الفتن*، *الملاحم*، *الفتن و المحن*، *الفتن و الملاحم* و ... نام گذاری شده‌اند.^۲

محتوای روایات ناظر به موضوع مورد مطالعه، بیانگر چهار ویژگی یا تغییر و تحول در حوزه امر به معروف و نهی از منکر است.

۱. ترک امر به معروف و نهی از منکر در آخرالزمان

به رغم تمام آنچه درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و جایگاه این دو در اسلام گفتیم، در دوره آخرالزمان، علاوه بر ترک امر به معروف توسط جوانان و پیران و نیز خواری امر کننده به معروف، کار تا آنجا پیش می‌رود که مؤمن، فقط در دل خویش قدرت بر انکار و نهی دارد و اگر کسی به حق سخن گوید یا امر به معروف و نهی از منکر کند، دیگری او را نصیحت کند که این امر از تو برداشته شده است. (خراسانی، مهدی منتظر:

۱. نمونه‌های جالبی از منابع زرتشتی، یهودی و مسیحی را در فصل نهم کتاب ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان، مذاهب و ملل جهان، نوشته سید اسدالله هاشمی شهیدی وجود دارد. ابتکار جالبی که در این کتاب به کار رفته، این است که گزارش‌های موجود در منابع غیر اسلامی با روایات اسلامی، مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، «آخرالزمان‌شناسی در آثار اسلامی» مندرج در کتاب «پیشگویی‌ها و آخرالزمان» (مجموعه مقالات).

۱۲۵) این دو فریضه اسلامی در دوره آخرالزمان به صورت چشم‌گیری کنار گذاشته می‌شود. علت این امر را می‌توان ناشی از ترس جانی، مالی، نیافتن شرایط مناسب و غربت اسلام و حق دانست؛ زیرا در این دوره، دین به همان غربت صدر اسلام بازگشته (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲: ۳۱۳) و در میان مردمان، تنها نامی از دین و اسلام باقی می‌ماند و اساساً دینداری در میان آنان، امری خوار شمرده می‌شود. ساکنان آخرالزمان، دین را ترک گفته و به دنیا می‌گروند، آخرت را ترک گفته و به دنیا اکتفا کنند و همین قدر که دنیای آنها سالم باشد برای آنان کافیسست و هرچقدر از دینشان بر باد رود پروا نسازند. (خراسانی، همان: ۱۲۴)

۲. ترویج امر به منکر و نهی از معروف در آخرالزمان

یکی از آسیب‌هایی که به صورت جدی، جامعه اسلامی را دچار بحران می‌سازد، قلب حقایق و واقعیت‌ها است. تا جایی که در منظر بسیاری از افراد و به تعبیر دیگر، در جریان عمومی جوامع، جای منکر و معروف، عوض شده و به دنبال آن با کثرت ظهور منکرات و ترک معروف‌ها، به جای امر به معروف، به منکر دستور داده شده و در مقابل، افراد از انجام معروف و کارهای پسندیده باز داشته می‌شوند. (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۹: ۱۷۳) این بازداشتن، گاه با امر و اجبار است و گاه با تمسخر و استهزا. در این دوره اساساً امر به معروف و نهی از منکر، خود از جمله منکراتی دانسته می‌شود که دیگران را از آن نهی می‌کنند و به صورت کلی، این امر را از دین خارج می‌دانند و نزد مردمان و در شهرها، منکرتر از معروف و معروف‌تر از منکر وجود نخواهد داشت. (خراسانی، همان: ۱۲۵) در نتیجه چنین جریان‌ها، دینداری برای مؤمنان و افراد متشرع به صورت جدی سخت می‌شود. (احمد بن حنبل، مسند، ج ۲: ۳۹۰)

۳. بازتعریف و تغییر در تعریف مصادیق معروف‌های موقوف و منکرات رایج در آخرالزمان
از جمله معروف‌هایی که در آخرالزمان و در عرصه‌های مختلف کنار گذاشته می‌شوند و نیز منکراتی که رواج می‌یابند، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

۱-۳. وارونگی‌ها و بحران‌ها در عرصه حکومت و سیاست

هرچند در اکثر موارد، حکومت‌ها بر زبردستان خود ستم روا می‌داشته‌اند و این مسأله جریان عمومی حکومت‌ها در طول قرون متمادی بوده است، لیکن این ظلم و جورها در آخرالزمان و در آستانه ظهور چنان فراگیر می‌شود که جنگ و هراس به تمام خانه‌ها وارد می‌شود. (ابن ابی‌شیبه، المصنف، ج ۱۵: ۸۹؛ متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۴: ۵۸۴) متأسفانه جریان ظلم و ستم در جوامع اسلامی، به صورت جدی و غیر قابل تصویری بروز می‌یابد. رسول اکرم ﷺ در این رابطه فرمودند:

در آخرالزمان بلای شدیدی که سخت‌تر از آن شنیده نشده باشد، از سوی فرمان‌روایان اسلامی بر امت من وارد خواهد شد؛ به گونه‌ای که فرخناى زمین بر آنان تنگ خواهد شد و زمین از بیداد و ستم لبریز می‌شود؛ آن چنان که مؤمن برای رهایی از ستم، پناهگاهی که بدان پناهنده شود، نمی‌یابد. (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴: ۴۶۵؛ مقدسی، عقدالدرر فی الاخبار المنتظر ۴۳)

در روایات اسلامی، آخرالزمان را دوره‌ای توصیف کرده‌اند که فرمان‌روایان، ستم پیشه؛ فرماندهان، خیانت‌کار؛ قاضیان، فاسق و وزیران، ستمگر می‌شوند. (شجرى، امالى شجرى، ج ۲: ۲۲۸) در حالی که به صورت طبیعی و صحیح، باید تمام این موارد به عکس باشد؛ یعنی باید فرمان‌روا، عدالت‌پیشه؛ فرمانده، امین و وفادار؛ قاضی، عادل و وزیران، خدمت‌کار باشند و همه تلاش خویش را برای تحقق عدالت و رفاه و امنیت در جامعه به کار برند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف این دوران فرمودند:

زمانی خواهد رسید که افراد فاسد و زناکار به ناز و نعمت می‌رسند و فرومایگان، مقام و موقعیتی پیدا می‌کنند و انسان‌های با انصاف ضعیف می‌شوند.

وقتی از ایشان درباره زمان آمدن آن دوره پرسیدند، فرمودند:

هنگامی که زنان و کنیزان بر امور مردم مسلط شوند و خردسالان به فرمانروایی برسند. (کلینی، کافی، ج ۸: ۶۹)

با نگاهی به کشورهایمانند پاکستان، انگلستان، آلمان و آمریکا و... به وضوح می‌توان علاوه بر حکم‌رانی زنان و سلطه آنان بر مناسبات اجتماعی جهانی، تسلط ایشان را بر مسایل ملی آن کشورها نیز دریافت. در این دوران، مردمان ریاست را برای متاع دنیا، ظلم به یک دیگر و فخر فروشی می‌طلبند و در همین راستا و برای به دست آوردن آن از هیچ خلاف شرعی کوتاهی نمی‌ورزند. در نتیجه این رقابت ناسالم، به صورت طبیعی، اهل خیر و صواب از مناصب دور شده و در جوامع اسلامی، کفار، منافقان، فاجران و فاسقان متصدی امور مسلمانان می‌شوند که لیاقت این تصدی را ندارند و سفاهتشان بر همگان عیان است. (خراسانی، همان: ۱۳۹) البته به تصریح روایات، تمام این موارد ناشی از ترک امر به معروف و نهی از منکر است که اولین اثر ترک این دو فریضه، سلطه ناهلان و مستجاب نشدن دعای نیکان است. لازم به یادآوری است که برای تحقق این پیشگویی‌ها، لازم نیست تمام جوامع اسلامی به این آفت مبتلا شوند و اگر برخی موارد معدود مانند ایران و لبنان و امثال آن در جریان کلی جوامع اسلامی استثنا شود، قاعده کلی را نقض نمی‌کند، به خصوص که این استثنائات معدود نیز عمری کمتر از سه دهه دارند و پیش از آن، خود از بارزترین مصادیق این آسیب‌زدگی در آخرالزمان بوده‌اند و به برکت امام خمینی علیه السلام است که جریان عمومی آسیب‌زدگی از این مناطق رخت برچیده است.

۳-۲. وارونگی‌ها و بحران‌ها در عرصه دینی

وارونگی و دگرگونی دینی مردم آخرالزمان و به خصوص مسلمانان، در یک پیشگویی عجیب از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان شده که فرمودند:

دورانی بر امت من می‌آید که در آن، از اسلام جز نامی نمانده و از قرآن جز تصویری و نقشی نباشد. مسلمانان به نام، مسلمان خوانده می‌شوند ولی نسبت به اسلام از هر کس بیگانه‌ترند. (صدوق، ثواب الاعمال: ۳۰۱)

در این دوران، انسان‌ها چنان دچار فتنه می‌شوند که برای حفظ دنیای خویش به دین

فروشی رو می‌آورند.

... فتنه‌هایی چون پاره‌های شب تاریک و ظلمانی. [در آن دوره] صبحگاهان، مرد مؤمن است و به هنگام غروب، کافر. گروهی دین خود را به بهای ناچیز و متاع اندک می‌فروشند. کسی که در آن روزگار به دین خود چنگ زده و پای بند است، همانند کسی است که گلوله‌ای از آتش را در دست گرفته یا بوته‌ای از خار را در دست می‌فشرد. (احمد بن حنبل، مسند، ج ۲: ۳۹۰)

در این دوران، سنت‌ها کنار گذاشته شده و اخلاص در اعمال دیده نمی‌شود. در طاعت خدا به مراتب کمتر از آنچه که در طاعت غیر اوست، خرج می‌کنند. به صورت کلی از خدا غافل شده و به دنیا مشغول می‌شوند و از همین رو امور دنیا بر آخرت رجحان می‌یابد. ساکنان آخرالزمان، نماز را بمیرانند و در حق آن و نیز اوقاتش استخفاف کنند. زکات را نیز ترک کنند و اغنیا برای تفریح و تفرج و افراد متوسط، برای تجارت و فقرا برای ریا و گوشزد مردم حج کنند. مساجد را زینت کنند در حالی که خالی از ایمان باشد و محل پذیرایی و مجلس غذا شود. قرآن چنان متروک و مهجور شود که شنیدن صوت آن برای گوش‌ها سنگین باشد در حالی که برای شنیدن باطل، مشتاق باشند. عمده عبادات به ماه رمضان محدود شود. عالم نزد مردم جایگاه خود را از دست بدهد. (خراسانی، همان: ۱۲۰)

۳-۳. وارونگی‌ها و انحرافات در عرصه اخلاق اجتماعی و فردی

در مشکلات و بحران‌ها، اولین ملجأ و پناهگاهی که برای استمداد طلبیدن به ذهن هر کس خطور می‌کند، خویشان و نزدیکان است و بنا بر فطرت و دستورات شرعی و عرفی نیز اولین موضع برای دستگیری و دفع صدقات و زکوات، خویشان و اقوامند و تا وقتی فقیر و نیازمندی در میان نزدیکان وجود داشته باشد، نمی‌توان سراغ دیگران رفت؛ اما این نیز در آخرالزمان دچار تحول و دگرگونی می‌شود.

در آن روزگار، بزرگ‌ترها به زیردستان و کوچک‌ترها رحم نمی‌کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی‌کند... قیامت برپا نمی‌شود مگر زمانی فرا رسد که مردی (از شدت فقر) به

اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آنان را به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند، ولی چیزی به او نمی‌دهند. همسایه از همسایه خود کمک می‌طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می‌دهد، ولی همسایه کمکش نمی‌کند. (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲: ۳۸۰ و ج ۳۶: ۳۳۵)

قطع رحم می‌شود و به پدر و مادر آشکارا بی‌احترامی می‌شود. مرد با اطاعت از همسر خود، از والدینش نافرمانی می‌کند و در عین جفا به والدین به رفقایش نیکی می‌کند. همسایه‌ها یکدیگر را بیازارند و جز از ترس زبان، همدیگر را اکرام نکنند. در امانت‌ها خیانت می‌کنند. وفا کم می‌شود و پیمان‌ها را نقض می‌کنند. کمترین چیزی که یافت می‌شود، برادری است که بتوان در راه خدا به او اعتماد کرد. حلیم را مکار و مکار را حلیم، حلیم را ضعف و ظلم را فخر بشمارند و از تمام استقبال کنند. (خراسانی، همان: ۱۴۸ - ۱۶۰)

۳-۴. وارونگی‌ها و انحرافات در عرصه‌های امنیت اجتماعی و فردی

هرچند انسان همیشه به دنبال رفاه و آسایش خویش بوده است، اما در دوره آخرالزمان به دنبال افتراق و جدایی جدی جوامع اسلامی از یکدیگر و نبود اتحاد میان آنان، دشمنان به راحتی بر آنان سلطه یافته و سرنوشت مسلمانان به دست آنان رقم می‌خورد. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«به زودی امت‌ها (پیروان دیگر آیین‌ها و مکاتب) بر ضد شما وارد عمل خواهند شد؛ آن‌گونه که گرسنگان به ظروف غذا حمله‌ور می‌شوند.» شخصی گفت: از آن جهت که در آن زمان در اقلیت به سر می‌بریم، این‌گونه مورد هجوم قرار خواهیم گرفت؟ پیامبر فرمود: «تعداد شما در آن زمان بسیار خواهد بود، ولی چون خس و خاشاک روی سیل خواهید بود. خداوند، مهابت و عظمت شما را از دل دشمنانتان خارج ساخته، بر دل‌هایتان سستی خواهد افکند.» کسی پرسید: ای رسول خدا! علت این وهن و سستی چیست؟ فرمود: «دنیا دوستی و ناخوش داشتن مرگ». (سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴: ۱۱۱)

این نا امنی به صورت طبیعی، در ابعاد مختلف اجتماعی قابل مشاهده است:

جهان را هرج و مرج و نابسامانی فرا گیرد و فتنه‌ها [یکی پس از دیگری] آشکار شود. جاده‌ها و راه‌ها نا امن شود و برخی بر عده‌ای هجوم برند؛ نه بزرگ بر کوچک ترخم کند و نه کوچک بر بزرگ احترام گذارد. (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۲: ۵۴ و ۲۶۶؛ مقدسی، عقدالدرر فی اخبار المنتظر: ۱۵۲)

در چنین دوران آکنده از ناامنی، ثمره‌ای که به بار می‌آید چیزی جز قتل و غارت نخواهد

بود.

دوستان من در دوران [پیش از ظهور] او خوار و ذلیل باشند و سرهایشان، همانند سرهای اهالی ترک و دیلم [برای حکام و ظالمان] هدیه برده می‌شود. آنان کشته و سوزانده شوند و ترسان، وحشت زده و هراسناک باشند. زمین از خونشان رنگین و ناله و فریاد در میان زنانشان زیاد شود. (صدوق، کمال الدین، ج ۱: ۳۱۱؛ ابن‌شهر آشوب، المناقب، ج ۲: ۲۹۷)

هر چقدر انسان در زندگی احساس آرامش و امنیت بیشتری داشته باشد، میل و علاقه‌اش به زندگی بیشتر است و به عکس، هر قدر که فشار مشکلات و مصائب بر او بیشتر باشد، از میل و علاقه او به زندگی کاسته شود تا جایی که آرزوی مرگ می‌کند.

در دورانی که خوف و ترس شدید و مصیبت‌ها و فتنه‌ها [بر جامعه] حاکم باشد و گرفتاری و بلا دامن‌گیر مردم شود و پیش از آن، بیماری طاعون شیوع یابد، درگیری شدید و مهلکی میان عرب اتفاق افتد، اختلاف شدیدی بین مردم حاکم شود، از هم گسیختگی در دین و آیین آنان رخ دهد و وضعیت مردم تغییر کند تا جایی که هر آرزومندی هر شب و روز - از آن چه که از درنده خویی مردم و تجاوز آنان به حقوق یکدیگر می‌بیند - آرزوی مرگ می‌کند. (نعمانی، الغیبة: ۲۳۵؛ طوسی، کتاب الغیبة: ۲۷۴)

۴. مصادیق معروف‌ها و منکرات وارونه شده در آخرالزمان

همان گونه که پیش از این گفته شد، در آخرالزمان بخشی از منکرات به جای معروف‌ها نشسته و معروف‌ها نیز جای منکرات می‌نشینند؛ از این دست، جا به جایی‌ها و انحطاطات می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱-۴. عرصه دینی

به صورت خلاصه می‌توان گفت که در این دوران، احکام دین تعطیل شده و مردم با اهوا و آرای خویش دینداری می‌کنند و چنان بدعت‌ها زیاد می‌شود که جای خود را با سنت عوض می‌کند و بسیاری از حلال‌ها، حرام گشته و محرمات زیادی حلال شمرده می‌شوند.

۲-۴. عرصه اخلاقی

اگر کسی در دوره آخرالزمان، روزی را بدون گناه سپری کند، افسرده شود. دروغ در گفتار و در قسم خوردن، شایع شده و صداقت از مردمان رخت بر بندد و براساس هواهای نفسانی، شهادت دهند و غیبت را ملاحظت شمرند. (خراسانی، همان: ۱۴۴ - ۱۴۸) در این دوران زنان و جوانان، فاسدند. مردان لباس‌های زنانه به تن کنند و خود را بسان آنان آرایش کنند. آمار طلاق و بی‌عفتی بالا می‌رود. از فسق و فجور، ارتزاق می‌کنند. کلام مردمان آخرالزمان فحش و عملشان وحشت‌انگیز و تنفرآور است. مردم با چهره آدمی و قلب شیطانند. سخنان حکیمانه بر زبان می‌رانند و اعمالشان درد بی‌دواست. (همان: ۱۴۸ - ۱۶۰)

۳-۴. عرصه اجتماعی

این زمان، دوره سلطه ظلم و جور بر حق و عدالت است که در تمام روایات مهدویت قابل مشاهده است. در آخرالزمان، جور و فساد و هرج و مرج و بغی و تعدی شیوع دارد. مردمان یا گرگند یا خوراک گرگان. قتل و خونریزی به بهانه‌های مختلف فراوان شود. اختلافات و تفرقه‌ها بسیار باشد و در غیر ذکر خدا با هم بجنگند. مردم عموماً با کسی هستند که غلبه می‌یابد. نسبت به هم بی‌مهرند و به مسکین صدقه ندهند و اگر به محتاجی کمک کنند یا برای تمسخر و خنده و یا ترحم است. (همان: ۱۴۸ - ۱۵۲)

عمق فاجعه‌ای که جوامع بدان مبتلا خواهند شد از برخی روایات روشن می‌شود.

قیامت بر پا نمی‌شود مگر زمانی که زنی را در روز روشن و به صورت آشکار [او در پیش روی همگان از چنگ صاحبش] گرفته، در وسط راه به او تعدی کنند، ولی هیچ کس این کار را نکوهش نکرده و از آن جلوگیری نکند. بهترین آن مردم، کسی است که می‌گوید: ای کاش کمی از وسط راه کنار می‌رفتی و کسرت را انجام می‌دادی. (قمی، تفسیرقمی، ج ۲: ۳۴۰؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲: ۴۶۵)

آن مردمان چون حیوانات، در وسط راه بر هم می‌شورند و با هم می‌ستیزند و آن‌گاه یکی از آنان به مادر، خواهر و دختر او در وسط راه و در حضور همگان تجاوز می‌کند، سپس آنان را در معرض تعدی دیگران قرار می‌دهد و یکی پس از دیگری عمل زشت را انجام می‌دهند، ولی کسی این کردار زشت را نکوهش نمی‌کند و تغییر نمی‌دهد. بهترین آنان کسی است که می‌گوید: اگر از جاده و از نظر مردم دور می‌شدید، بهتر بود. (طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۹: ۱۱۹؛ هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۷: ۲۱۷)

علاوه بر این، در آخرالزمان «مردها خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند. آن‌گاه که مردان به مردان اکتفا کنند، یعنی لواط کنند و زنان به زنان». (ابن طاووس، الملاحم والفتن: ۱۰۱) نه تنها شراب و قمار حلال شمرده می‌شود و آشکارا استفاده می‌شود، بلکه بدان تفاخر کنند. در این دوران، زنا شایع شده و زنازادگان بسیار می‌شوند و جمعی از زنان به این امر تفاخر کنند و برای جلب رضایت شوهر خود به او رشوه دهند. مانند همین فاجعه درباره لواط و مساحقه (به تعبیر امروزی، هم‌جنس بازی زنان و مردان) نیز اتفاق می‌افتد. همت مردم، شکم و فرجشان باشد. (خراسانی، همان: ۱۴۴ - ۱۴۸) کشتارهای عالم گیر و ناگوار و پی در پی (بحرانی، مدینه المعاجز: ۱۳۳) جمعیت جهان را به صورت جدی کاهش می‌دهد. (ابن طاووس، همان: ۷۸)

مسئله امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی ایران

اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین می‌گوید:

در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم

اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

همان طور که می‌دانیم این اصل، تکلیف جدیدی را برای شهروندان ایرانی وضع نکرده و در واقع، تأکیدی برای توجه بیشتر و جدی‌تر مردم به این موضوع بود. در همین راستا برخی از نهادها و مؤسساتی که متولی امور مذهبی و انقلابی بودند، مانند سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی، جامعه مدرسین و... بخشی از فعالیت‌های خود را مصروف به انجام بُعد نرم‌افزاری موضوع کردند.^۱ در بُعد سخت‌افزاری نیز عملاً وظایف تفکیک شد. مرحله لسانی و تذکر بیانی برعهده همه مردم باقی ماند، اما برخورد عملی که ممکن بود گاه منجر به ضرب و جرح نیز بشود برعهده نیروهای انتظامی (قبل از ادغام، به صورت مشخص، کمیته انقلاب اسلامی) قرار گرفت.

در طول سال‌هایی که غالباً دهه اول انقلاب را در برمی‌گرفت، موضوع به همین شکل پیگیری می‌شد تا این که در سال ۱۳۷۲ برای عمل نمودن به محتوای آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، به دستور مقام معظم رهبری، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر شروع به کار کرد؛ متأسفانه در طول شانزده سالی که از تأسیس این نهاد مهم و کلیدی می‌گذرد، حضور پررنگ و مؤثری مشاهده نمی‌شود؛ هرچند فعالیت‌های قابل توجهی در طول این سال‌ها انجام شده است.

در سال ۱۳۸۷ نیز طرحی با نام طرح «مبارزه با مفاسد اجتماعی» در دستور کار نیروی انتظامی قرار گرفت که بازتاب‌های متفاوتی در اجتماع داشت. بخشی از برخوردهای این طرح با مفسدان مشهور محلات و مناطق بود که این برخوردها تا حد زیادی رضایت‌مندی شهروندان را دربرداشت. اما در مقابل، آن دسته از برخوردها که با پوشش ظاهری اعم از لباس و آرایش شهروندان عادی بود، چندان مورد اقبال قرار نگرفت که البته علت آن، بی‌میلی مردم به رعایت حجاب نبود، بلکه نحوه برخوردها چندان مناسب نبود. در برخی

۱. در این راستا می‌توان به تولید و انتشار آثار و محصولاتی که به این موضوع می‌پردازند، اشاره کرد که این امر توسط دیگر مجموعه‌ها و نهادها نیز دنبال می‌شد.

موارد با تندی و رفتار غیراسلامی با افراد برخورد می‌شد و یا برخوردها به صورت اصولی و مبنایی انجام نمی‌شد. نکته مهم در این رابطه این بود که افراد، چنانچه باید، نسبت به این تذکرات توجیه نمی‌شدند و اساساً فضا، مدت و شرایط تذکر به گونه‌ای نبود که افراد به صورت مبنایی توجیه شده و این موضوع را رعایت کنند. نقد و بررسی این جریانات از عهده این نوشتار خارج است و به همین میزان بسنده می‌شود.

با مقایسه آخرالزمان و پس از ظهور، مواردی در نظام جمهوری اسلامی قابل

بررسی می‌باشد:

۱. قانون‌گذاری و اجرا

۱-۱. تدوین قوانین

امر به معروف و نهی از منکر، تمامی مناسبات روزمره فردی و اجتماعی جامعه اسلامی را در برمی‌گیرد، اما نکته مهمی که مغفول مانده، اولویت بندی در برنامه ریزی است. بارها مقام معظم رهبری (مدظله) تأکید کرده‌اند که منظور ایشان از تهاجم فرهنگی، وضع ظاهری دختران و پسران جوان نمی‌باشد اما متأسفانه در مقام اجرا، مفاسد بسیار مهم‌تر مغفول مانده و برخوردها بر همین اساس انجام می‌شود. اهم این موارد را در دستوراتی مانند پیگیری و مقابله با مفاسد و مفسدان اقتصادی می‌توان دانست.

۲-۱. تبیین قوانین

یکی از نکاتی که در بسیاری از قوانین قابل مشاهده است، ضعف در تبیین درست موضوع یا بی‌توجهی در اجرای آن است. این مسأله، فضای را فراهم آورده که عده‌ای گمان کنند ما در آن حوزه فاقد قانون مدون و منسجم هستیم. حوزه امر به معروف و نهی از منکر از این مسأله مستثنی نیست.

۳-۱. اجرا

اجرا نشدن قانون، همانند بی‌قانونی است. همه ما می‌دانیم که امر به معروف از اهم فروع

دینی ما است که پایه دیگر فرایض دینی به شمار می‌آید، اما بی‌توجهی در اجرا یا بد اجرا کردن آن، فجایع جبران ناپذیری را به دنبال می‌آورد. برای نمونه به ماجرای تذکر امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در دوران کودکی به پیرمردی، درباره چگونگی وضو گرفتن اشاره می‌کنیم.^۱ اگر اندکی درباره این ماجرا بیندیشیم، درمی‌یابیم که اگر حسنین علیه السلام، چه مؤدبانه و چه کودکانه، به صورت صریح تذکر خود را بیان می‌کردند، تنها جوابی که می‌شنیدند این بود که: «به شما چه؟! من خودم می‌دانم چگونه وضو بگیرم. شما بروید به بازی کردنتان سرگرم باشید.» جالب این‌جاست که هرگاه سخن از امر به معروف و نهی از منکر به میان می‌آید، اولین چیزی که به ذهن ما متبادر می‌شود، تذکر صریح زبانی است. حال آن که در امر به معروف، آخرین مرحله، تذکر زبانی صریح و مستقیم است. طبیعی است که با توجه به بی‌اطلاعی ما، نه تنها نتیجه مورد توقع را به دست نمی‌آوریم بلکه نتیجه عکس نیز شامل حال ما می‌شود.

۴-۱. ضمانت اجرا

قانون بدون ضمانت اجرا نیز همانند بی‌قانونی است. آن‌گونه که از شواهد و قراین برمی‌آید، حوزه امر به معروف و نهی از منکر هنوز از ضمانت اجرای مورد نیاز خود برخوردار نشده و از همین رو، نتیجه مطلوب از قوانین مدون حاصل نشده است.

۲. مجریان

۲-۱. آموزش مجریان

هرچند همه ما مسلمانیم و یکی از فروع دینی مورد قبول و اعتقاد ما امر به معروف و نهی از منکر است، اما متأسفانه راه و رسم درست امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌دانیم. جالب این‌جاست که برای بسیاری از موضوعات جزئی دینی و غیر دینی، هم رشته‌های دانشگاهی و هم نشریه و فصل‌نامه وجود دارد اما با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی

۱. برای دیدن تفصیل ماجرا رجوع کنید به: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳: ۳۱۹.

انقلاب اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر از همه این لوازم بی‌بهره است.

۲-۲. پرورش مجریان

یکی از لوازم بسیار مهم در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، پرورش یافتگی آمر و ناهی است. نبود تزکیه و بی‌تقوایی در شخصیت وی، لطمات و ضربات بسیاری را به مخاطب و بدنه جامعه به دنبال می‌آورد که گاه این لطمات جبران‌ناپذیر می‌باشند.

۳-۲. چگونگی اجرا

بعضی از ضعف‌هایی که اکنون در اجرای امر به معروف و نهی از منکر در ایران اسلامی مشاهده می‌شود، در مباحث پیشین توضیح داده شد. البته با وجود تمام این نقایص و ضعف‌ها، جمهوری اسلامی حداقل میزان آسیب‌پذیری را از بحران‌های آخرالزمان داشته است.

۳. شرایط حاکم

۳-۱. شرایط داخلی

موضوع دین‌مداری و انجام معروف‌ها و ترک منکرات را نمی‌توان جدا از شرایط حاکم بر زمانه و مخاطب در نظر گرفت. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره کرد: «کاد الفقر أن یكون کفراً» (صدوق، أمالی: ۲۹۵) وقتی فقر می‌تواند کسی را تا مرز کفر پیش برده و او را از دایره مؤمنان خارج سازد، شایسته است هم‌زمان با تذکر، شرایط مخاطب را از نظر تأمین مالی و حل مشکلات اقتصادی بررسی کنیم؛ زیرا در بعضی موارد، سبب تغییر رویه در زندگی آنان خواهد شد. علاوه بر آن، در شرایطی که فضای عمومی رسانه‌ها را تبلیغات مصرف‌زدگی پر کرده، نمی‌توان همانند شرایطی که کشور در جنگ به سر می‌برد، افراد را به ساده زیستی دعوت کرد و در هر دو مقطع از یک روش استفاده کرد.

۲-۳. شرایط خارجی

یکی از عوامل بسیار مؤثر بر نظام جمهوری اسلامی، دشمنان و دشمنی‌های آنان است که با استفاده از ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای به هر شکل و میزانی که بتوانند به دشمنی با اسلام و جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند. طبیعی است، اگر بدون اطلاع از روش‌های دشمنان و دشمنی‌های آنها وارد عرصه امر به معروف و نهی از منکر شویم، لطمات قابل توجهی به خود و جامعه اسلامی وارد خواهیم ساخت. برای نمونه، برخی از ادبیات مورد استفاده فرقه‌های انحرافی را در شبکه‌های مختلف صدا و سیما و حتی رادیو معارف می‌توان شنید که ناشی از غفلت یا بی‌توجهی مجریان و نویسندگان و برنامه‌سازان آن مجموعه‌هاست.^۱

۳-۳. شرایط عصری (آخرالزمانی)

نکته بسیار مهمی که نزد بخش قابل توجهی از تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران ما مغفول مانده، توجه به دوره‌ای است که در آن زیست می‌کنیم. شرایط عمومی آخرالزمان، آسیب‌هایی را به دنبال خواهد آورد که افراد غافل، ناتوان و بی‌توجه را مبتلا می‌کند. تنها راه چاره و رهایی از بحران‌های آخرالزمان، شناسایی آسیب‌ها و بحران‌ها و تهیه و تنظیم راه‌کارهای مناسب برای مقابله با آنهاست و گرنه بی‌تردید، ما نیز در زمره آسیب دیدگان آخرالزمان قرار خواهیم گرفت.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر پس از ظهور امام عصر علیه السلام

دوره پس از ظهور امام عصر علیه السلام، دوره‌ای است که بشریت از زمان حضرت آدم علیه السلام، در انتظار تحقق آن بوده است و همواره بهترین حالت برای زندگی بر روی زمین را در آن

۱. از این دست می‌توان به استفاده از اصطلاح انرژی مثبت و منفی و امثال آن در برخی از برنامه‌های صبح‌گاهی این رسانه‌ها اشاره کرد که این واژه معمولاً در برخی جریان‌های شبه عرفانی (مانند جریان راز) به کار می‌رود و بار معنایی خاص خود را دارد.

دوران می‌دیده است. با بررسی روایاتی که در توصیف دوره پس از ظهور آمده چند نکته کلی و اساسی را می‌توان دریافت که عبارتند از:

الف. بهشت و اوصاف آن در قرآن به فراخور آمال مخاطبان آن، دارای درجات و مراتب است و هرکس بنا بر منش و روش سیر و سلوک خود در زندگی، غایت آمال خویش را در بهشت می‌یابد. اگر شخصیتی به عظمت برترین انبیا باشد، مقام «سدرۃ المنتهی» و اگر در درجات پایین‌تر باشد مقام قرب الهی برای او مهیا شده است. برای انسان‌های کوتاه فکری نیز که به جز خور و خواب و شهوت در ذهن و اندیشه‌شان نمی‌گنجد، مقام حور و خوراکی‌ها و اریکه‌ها در بهشت به تصویر کشیده شده تا همه انسان‌ها برای رسیدن به آنچه می‌طلبند، در آرزوی بهشت به تلاش و تکاپو مشغول باشند. بر همین منوال، روایات مهدویت به توصیف دوران پس از ظهور پرداخته‌اند تا هم انبیای اولوالعزم برای تعجیل در ظهور مهدی موعود^ع به دعا بنشینند و هم آن کسی که از فقر، ناداری، فقدان مسکن، نبود آسایش و بسیاری معضلات دیگر تاب از کف داده، در انتظار آن دوران شیرین باشد. بهره‌مند شدن افراد از وجود نازنین امام عصر^ع و دوره حاکمیت ایشان، به همان میزانی است که برای خود تعریف نموده و در دوره غیبت برای نیل به آن تلاش کرده‌اند؛ به همان سان که بهشت افراد، همان است که خود برای خویش در طول دوره حیات ساخته‌اند.

ب. چون این دوره دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است نمی‌تواند الگوی سیر جامعه بشری باشد و به تعبیر بهتر، به عنوان چشم انداز حیات کل بشریت مطرح است. بنابر روایات، در این دوره علم بشری، سبزه و نیم برابر شده (راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲: ۸۴۱)، عقل‌ها کمال می‌یابند (کلینی، کافی، ج ۱: ۲۵؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲: ۶۷۵) قابلیت‌های فوق‌العاده انسانی به منصفه ظهور می‌رسند (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲: ۳۰۸)، خیل عظیمی از جن و ملک به یاری امام عصر^ع می‌آیند (دیلمی، ارشاد القلوب: ۲۸۶) و.... با استناد به این موارد که غالباً در دوره پیش از ظهور، یا کم‌یابند

و یا نایاب، نمی‌توان از آن دوره الگوبرداری کرد و باید آن را چشم انداز غایی حیات بشری دانست که با تأسی به آن، چه اولیای دین و معصومان علیهم‌السلام تاکنون به دست ما رسانده‌اند و ما باید برای رسیدن به آن دوران، تمام تلاش خود را به کار ببریم. دوره پس از ظهور را می‌توان از چند زاویه مورد بررسی قرار داد:

۱. رواج و گسترش ترویج امر به معروف و نهی از منکر

دوره پس از ظهور امام عصر علیه‌السلام، دوره تحقق حاکمیت جهانی و فراگیر اسلام است تا حق به تمام معنا متجلی گشته و باطل مضمحل شود. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۴: ۱۷۹) در این دوره برای تجلی حق، با عمل به امر به معروف و نهی از منکر، شاهد چند اتفاق بزرگ هستیم:

۱-۱. آمران بی‌نظیر تاریخ

در این دوره تاریخی، شاهد گردهم آمدن مجموعه‌ای از افراد هستیم که تاریخ تا آن زمان به این مقدار، صالحان و نیکوکاران را در کنار هم و در یک زمان به چشم ندیده است. اینان عبارتند از:

۱-۱-۱. رهبری امام عصر علیه‌السلام

در طول تاریخ جز مواردی بسیار معدود و اندک، حاکمان از مقام عصمت برخوردار نبوده‌اند و در آن موارد معدود نیز، حکومت‌ها در منطقه‌ای محدود بوده است. در دوره حاکمیت امام‌زمان علیه‌السلام وسعت حکومت به پهنه گیتی می‌شود و برای اولین بار معصومی منصوب از ناحیه خداوند بر همه کس و در همه جای عالم حکم الهی را اجرا می‌کند.^۱

۱. بنابر روایات متعدد، جنیان و ملائک در زمره یاران امام عصر علیه‌السلام خواهند بود و همین امر به خوبی نشان می‌دهد که گستره امامت و رهبری ایشان به مراتب، فراتر از زمین است.

۱-۲. همراهی وزرا و عمال منتخب تاریخ

یاران امام عصر^{علیه السلام} را در چند رده و رتبه می‌توان دسته بندی کرد:

الف. سیصد و سیزده یار اصلی که به استانداری مناطق سیصد و سیزده‌گانه جهان منصوب می‌شوند. (صدوق، کمال الدین، ج ۲: ۶۵۴)

ب. ده هزار یار رتبه بعد که در زمره ارتشیان سپاه ایشان قرار دارند. (صدوق، کمال الدین، ج ۲: ۶۵۴)

ج. دیگر یاران امام زمان^{علیه السلام} که بخشی در زمره محافظان و کارگزاران قرار می‌گیرند. (مقدسی، عقدالدرر فی اخبار المنتظر: ۱۴۳)

در مراحل و مراتب مختلف امر به معروف، یکی از نکات مهمی که در روایات بدان تأکید شده، این است که دیگران را با غیر از زبان خود به نیکی دعوت کنید. (کلینی، کافی، ج ۲: ۷۷) مسلماً بهترین دعوت کنندگان به خیر و نیکی با اعمال و کردار خود، امام عصر^{علیه السلام} و شخصیت‌هایی هستند که برای تحقق وعده الهی به دست ایشان انتخاب شده‌اند.

۱-۳. احیای دین و آموزش معارف به شکل اصیل

درباره آن چه امروزه آموزه‌های دینی را تشکیل می‌دهند، چند نکته، مهم و قابل توجه است:

الف. برخی از احکام الهی، هر چند از سوی خداوند پایه‌ریزی شده است، ولی شرایط اعلام و اجرای آن در زمان ظهور حضرت مهدی^{علیه السلام} فراهم می‌شود و اوست که آن احکام را اعلام و اجرا می‌کند.

ب. با گذشت زمان، به وسیله زورمندان و تحریف‌گران، دگرگونی‌ها و تحریفاتی در احکام الهی پدید آمده است و حضرت قائم^{علیه السلام} پس از ظهور، آنها را تصحیح و تعدیل می‌کند.

ج. چون فقها در استنباط حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌جویند، گاهی حکمی را که استنباط کرده‌اند با حکم واقعی مطابقت ندارد؛ هر چند نتیجه آن استنباط، برای مجتهد و مقلدینش حجت شرعی است، ولی در حکومت امام زمان علیه السلام، حضرت، احکام واقعی را بیان می‌فرماید.

د. برخی از احکام شرعی در شرایطی خاص و اضطراری، برای تقیّه و به صورت غیر واقعی اعلام شده است که در روزگار حضرت، تقیّه برداشته شده و حکم واقعی بیان می‌شود. (طبسی، چشم اندازی به حکومت جهانی مهدی علیه السلام: ۱۴۹ و ۱۵۰)

۱-۴. پذیرش انتقاد و دعوت به معروف و نهی از منکر

بخشی از این پذیرش، ناشی از محبوبیت و جذابیت یاران امام عصر علیه السلام است. از امام پنجم علیه السلام در این رابطه نقل شده که فرمودند:

گویا یاران مهدی علیه السلام را می‌بینم که سراسر زمین و آسمان را احاطه کرده‌اند و هیچ چیز در جهان نیست که فرمانبردار و تسلیم محض آنان نباشد. درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز در پی خشنودی آنان هستند. آنان به قدری محبوبیت دارند که جایی از زمین بر جای دیگر فخر و مباهات می‌کند و می‌گوید: امروز یکی از یاران مهدی علیه السلام بر من گام نهاد و از این جا گذشت. (صدوق، کمال الدین، ج ۲: ۶۷۳)

اسلام و حقیقت، پس از ظهور امام عصر علیه السلام به معنای واقعی متجلی می‌شود و از همین روست که برای بعضی چنین به نظر می‌آید که گویا ایشان اسلام جدیدی آورده‌اند و به مقابله با حضرتش می‌پردازند. در روایت مفصلی از امام ششم در این رابطه نقل شده که فرمودند:

بر شما (مسلمانان) است که تسلیم به ما باز گردانید و به انتظار حکومت ما و شما باشید و منتظر فرج و گشایش ما و خود بمانید. هنگامی که قائم ما ظهور کند و سخنگوی ما به سخن آید و تعلیم قرآن و دستورات دین و احکام را از نو به شما بیاموزد، به همان شکلی که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است، دانشمندان شما این رفتار

حضرت را انکار کرده، مورد اعتراض قرار می‌دهند و بر دین خدا و راه او استوار و پابرجا نمی‌شوید، مگر در سایه شمشیر؛ شمشیری که بالای سر شما باشد. خداوند، سنت امت‌های پیشین را بر این مردم قرار داده، ولی آنان سنت‌ها را تغییر داده و دین را تحریف کردند. هیچ حکم رایجی در بین مردم نیست، مگر این که از شکل وحی شده‌اش تحریف گشته است. خدا تو را رحمت کند. به هر چه فراخوانده می‌شوی بپذیر تا آن کس که دین را تجدید می‌کند، فرا رسد. (کشی، رجال کشی: ۱۳۸؛ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۳: ۵۶۰)

۲. احیای مصادیق متروک امر به معروف و نهی از منکر در دوره‌های پیشین

برخی از رفتارهاست که یا دینی بوده و ترک شده‌اند و یا از دین نبوده‌اند و در زمره امور دینی شمرده شده‌اند که اصطلاحاً از این دسته دوم با عنوان بدعت یاد می‌شود. در دوره امام عصر علیه السلام با هر دو مورد مقابله شده و هرچیز در جای خود قرار می‌گیرد. نکته بسیار مهم این است که در آن دوران، سطح فهم دینی مردم به حدی بالا می‌رود که یک زن خانه‌دار که در عرف، نماد بی‌سوادی و بی‌اطلاعی است، بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند. (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲: ۳۵۲) گسترش اقبال دینی تا آنجاست که:

خانه‌های کوفه به رودخانه کربلا و حیره متصل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که فرد نمازگزار، روز جمعه برای شرکت در نماز جمعه سوار بر مرکبی تیزرو می‌شود، ولی بدان نمی‌رسد. (مقدسی، همان: ۱۵۹)

البته لازم به ذکر است که این حدیث، بیان‌کننده وسعت مسجد کوفه نیز هست که این مطلب در دیگر روایات به صراحت یافت می‌شود.

۳. اجرای برخی از احکام معروف و منکر برای اولین بار (احکام مختص به ظهور)

برخی از احکام و دستورات شرعی، مختص به دوران ظهور می‌باشند و عمل نکردن به آنها تا آن زمان، منکر دانسته نشده است؛ برای نمونه ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

در اسلام به حکم خدا دو خون حلال است، ولی کسی به آن حکم نمی‌کند تا این که خداوند، قائم اهل بیت علیهم‌السلام را بفرستد. او به حکم خدا حکم خواهد کرد و بینه و شاهدهی نمی‌طلبد. حضرت زناکار محصن (مرد زنا دار و زن شوهردار) را سنگسار می‌کند و گردن کسی را که زکات نمی‌دهد می‌زند. (کلینی، کافی، ج ۳: ۵۰۳؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲: ۱۱؛ همو، کمال الدین، ج ۲: ۶۷۱)

البته این دست روایات را نمی‌توان با روایاتی که بیان‌کننده حرمت محرمات و حلیت حلال‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا قیامت است منافی دانست؛ زیرا عرصه و منصف ظهور این احکام تا آن زمان نمایان نمی‌شود و در واقع این احکام با توجه به تغییر شرایط، دچار تغییر می‌شوند. لازم به توضیح است که مصرف زکات، محدود به فقرا نیست. زکاتی که از افراد در زمان ظهور دریافت می‌شود در امور عام المنفعه صرف می‌شود و با نبود فقیر در جامعه اسلامی دریافت و پرداخت زکات همچنان قابل تصور است.

همچنین می‌توان به واجب شدن برخی مستحبات و یا تحریم برخی مباحات اشاره نمود. سالم می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام گفتم: روایتی نقل شده است که سود و بهره گرفتن مؤمن از برادر مؤمنش حرام و رباست؟ حضرت فرمود:

این مطلب هنگامی است که قائم ما اهل بیت ظهور کند؛ ولی امروز جایز است که شخصی به مؤمن چیزی بفروشد و از او سود بگیرد. (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳: ۲۰۰)

مجلسی اول پس از قوی دانستن سند این روایت، می‌فرماید:

از این روایت به دست می‌آید، آن دسته از روایات که گرفتن سود از مؤمن را مکروه دانسته و آن را ربا می‌خواند، مبالغه نیست و ممکن است در حال حاضر مکروه باشد، ولی در زمان حضرت قائم علیه‌السلام حرام شود. (مجلسی، محمدتقی، روضه‌المتقین، ج ۷: ۳۷۵)

ولی مجلسی دوم ضمن مجهول خواندن این روایت می‌گوید: «شاید حرمت در این دو مورد، مقید به زمان قیام حضرت حجّت باشد.» (مجلسی، محمدباقر، ملاذ الاخیار، ج ۱۱: ۳۱۵)

۴. آثار امر به معروف و نهی از منکر پس از ظهور

۴-۱. آثار اجتماعی

همان‌گونه که گفته شد، در دوره پس از ظهور، بهترین آمران و ناهیان، احکام واقعی اسلام را با شیوه‌ای صحیح به مردمان ارایه می‌کنند و مخاطبان نیز با آغوش باز از آن استقبال می‌کنند و در مقابل با بیمارانی که با غرض و مرض، سعی در عناد ورزی و ایجاد مشکل در جامعه جهانی اسلامی دارند به صورت جدی برخورد می‌شود. در چنین شرایطی فضای عمومی جامعه، فضای طاعت و عبودیت می‌شود و مسیر سیر عمومی مردم، به سمت صلاح و فلاح خواهد بود. (کلینی، کافی، ج ۱: ۳۳۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲: ۳۴۰)

۴-۲. آثار اقتصادی

یکی از نکاتی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که به تصریح آیات قرآن کریم، اگر مردم، مسیر ایمان به خدا، تقوا و طاعت الهی را در پیش بگیرند، خیرات و برکات آسمان و زمین به سوی آنان جریان می‌یابد.^۱ با توجه به آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر در دوره بعد از ظهور که سبب اتیان واجبات و ترک محرمات به معنای واقعی در فضای عمومی جامعه خواهد شد، خیرات و برکات زمین و آسمان شامل ساکنان عصر حضور امام عصر علیه السلام می‌شود تا جایی که مستحق برای گرفتن زکات و صدقه در کل زمین یافت نمی‌شود. (مقدسی، همان: ۱۶۶) این رویه، در دوره پیش از ظهور حتی اگر در منطقه‌ای کوچک اجرا شود باز مصداق آیه شده و مشمول برکات می‌شود، لیکن در حال حاضر، فساد و تباهی در تمام عرصه‌ها قابل مشاهده است و با نگاه قرآنی، این نیز محصول عملکرد انسان‌هاست. (سوره روم، آیه ۴۱)

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶: و اگر مردم آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند، البته برای آنها برکت‌هایی از آسمان و زمین می‌گشودیم ولی تکذیب کردند و ما به سبب کارهایشان آنها را مؤاخذه کردیم.

کارکرد روایات آخرالزمان برای حل بحران‌های امروز

پیشگویی‌هایی که درباره آخرالزمان در روایات دیده می‌شود را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. نشانه‌های کلی و اجمالی: این دسته از نشانه‌ها به بیان اجمالی حوادث و رخدادهایی می‌پردازند که در دوره آخرالزمان معمولاً برای جوامع بشری و به طور اخص اسلامی، اتفاق می‌افتند.

۲. نشانه‌های مصداقی و تفصیلی: این دسته از نشانه‌ها شامل مواردی است که مصداق مشخصی دارند؛ از این جمله می‌توان به جاری شدن سیل در بصره، تخریب زوایای مسجد کوفه و امثال آن اشاره کرد. در آثاری مانند «یوم الخلاص» نوشته «کامل سلیمان»، «در آستانه ظهور» نوشته «سید سلیمان مدنی تنکابنی» و برخی دیگر از آثار، سعی در تطبیق و مصداق‌یابی نشانه‌ها و خصوصاً این دسته شده است.

پس از مقایسه شرایط کنونی با موارد مذکور، به خوبی می‌توان به نسبت‌های موجود میان دوره‌ای که در آن زیست می‌کنیم و دوره توصیف شده در روایات با عنوان آخرالزمان، پی‌برد. طبیعی است که با یافتن هر شباهتی، نوعی آسیب‌زدگی یافت شده که باید برای زدودن آن همت گماشت. نکته بسیار مهم در این آسیب‌زدایی‌ها آن است که هر کس برحسب وسع خویش، باید برای این مهم تلاش کند؛ از همین رو حداقل آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی در عرصه فردی و در راستای اصلاح نفس است و حداکثر آن گستره ملی و حتی در مواردی، بین‌المللی را نیز در برمی‌گیرد. عواملی همچون: توانایی‌های فردی، گستره روابط اجتماعی و ... تعیین‌کننده محدوده این تکلیف است. نکته مهم دیگری که از روایات بر می‌آید این است که وقتی افراد صلاحیت ندارند، نباید در حوزه‌های وسیع‌تر از آن‌چه توانایی دارند، وارد شوند؛ زیرا آن‌چه خراب می‌کنند به مراتب بیش از آن است که اصلاح می‌کنند. همانند شناگری که ابتدا خود شنا می‌آموزد و پس از مدتی کسب مهارت، در دوره‌های آمادگی غریق نجات شرکت می‌کند و در پی

موفقیت در آزمون‌های مربوط، اجازه غریق نجات شدن می‌یابد. آنها که بدون طی چنین مراحل به نجات دادن غرق‌شدگان همت می‌گمارند نه تنها نمی‌توانند آنها را نجات دهند که خود را نیز به همراه ایشان به قعر آب می‌کشاند و مصیبت را دو چندان می‌سازند.

نکته بسیار مهم این است که ما از سویی در دوره آخرالزمان زندگی می‌کنیم و از سویی باید خود را برای زندگی در دوره ظهور مهیا سازیم. لازمه این امر، آن است که ما در وهله اول و پیش از هر امری آسیب‌های آخرالزمان را شناسایی کنیم و در پی آن، تمام تلاش خود را برای آسیب‌زدایی خویشتن و اطرافیانمان به کار ببریم. با استفاده از روایاتی که در این مقاله مطالعه کردیم، می‌توانیم هم ریشه‌های مشکلات اطراف‌خویش را شناسایی کنیم و هم برای یافتن راه حل مناسب اقدام کنیم. برای مثال، روایات بیان‌کننده سختی‌های دینداری در دوره آخرالزمان، می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌های وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه‌های علمیه قرار گیرد.^۱

نتیجه

با مطالعه روایات متعدد اسلامی، از جمله مطالبی که تصویر نسبتاً واضحی از آن می‌توان یافت، موضوع امر به معروف و نهی از منکر در آخرالزمان است. ترک امر به معروف و نهی از منکر، ترویج امر به منکر و نهی از معروف، مصادیق معروف‌های متروک و منکرات رایج و مصادیق معروف‌ها و منکرات وارونه شده در آخرالزمان، سرنوشتی است که برای امر به معروف و نهی از منکر رقم می‌خورد. متأسفانه به رغم آن که امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی است، تاکنون آن قدر که شایسته و بایسته است به آن توجه و عمل نشده است و اگر کوتاهی و غفلت ما در این عرصه به همین صورت ادامه یابد، باید خود را مهبای آسیب‌های بیشتر از بحران‌های آخرالزمان سازیم. در

۱. تفصیل بیشتر در این رابطه را می‌توان در آثاری نظیر «استراتژی انتظار» و نیز «از اینجا تا دولت کریمه» از آقای اسماعیل شفیعی سروسرستانی و «نظریه اختیاری بودن ظهور» از آقای علیرضا نودهی مطالعه کرد.

دوره پس از ظهور، تمام این وارونگی‌ها و انحرافات که در طول قرن‌های متمادی به وجود آمده به جای اول خویش باز می‌گردد. با شناسایی و بررسی آنچه در وصف دوره آخرالزمان در روایات بیان شده، هم می‌توان آسیب‌های روزمره را شناسایی و ریشه‌یابی کرد و هم در راستای آسیب‌زدایی خود از اطرافیان، توفیقات قابل توجهی به دست آورد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، بی تا، المصنف، بمبئی، دارالسلفیه.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المتظر، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۳.
۴. احمد ابن حنبل، بی تا، مسند، بیروت، دارالفکر.
۵. بحرانی، سیدهاشم، مدینه المعجز، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳.
۶. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۴.
۸. خراسانی، محمدجواد، مهدی متظر، تحقیق سیدعلی میر شفیعی، قم، دارالاصفیاء، ۱۳۷۹.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ویرایش جدید، تهران، دانشگاه تهران، چاپ مکرر.
۱۰. دیلمی، ابومحمد، ارشاد القلوب، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۲هـ.ق.
۱۱. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۹.
۱۲. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، بی جا، داراحیاء السنه النبویه، بی تا.
۱۳. شجری، یحیی بن حسین، امالی شجری (امالی خمیسیه)، بیروت، عالم الکتاب، بی تا.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، قم، مؤسسه سیده معصومه، ۱۴۱۹.
۱۵. صدوق، محمد بن حسین بن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، بی تا.
۱۶. _____، کمال الدین و تمام النعمه، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶.
۱۷. _____، معانی الاخبار، تهران، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۱.
۱۸. _____، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۴.
۱۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، بغداد، وزارت اوقاف عراق، بی تا.

۲۰. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۷.
۲۱. طبسی، نجم‌الدین، *چشم اندازی به حکومت جهانی مهدی*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، *کتاب الغیبه*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۷.
۲۳. _____، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴.
۲۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع الموده*، قم، اسوه، ۱۴۱۶.
۲۶. کاظمی، سید مصطفی آل سید حیدر، *بشارة الاسلام*، تهران، مؤسسه بعثت.
۲۷. کشی، ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، تلخیص شیخ طوسی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۲۹. متقی هندی، علاء‌الدین علی، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله، بی‌تا.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۰۳.
۳۱. _____، *ملاذ الاخیار*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، بی‌تا.
۳۲. مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین*، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، بی‌تا.
۳۳. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه*، قم، انتشارات الرضی، ۱۴۰۴.
۳۴. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵.
۳۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۶.
۳۶. مقدسی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قاهره، عالم‌الفکر، ۱۳۹۹.
۳۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، کتابفروشی صدوق، بی‌تا.
۳۸. هیثمی، نورالدین علی، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دارالکتاب العربی، بی‌تا.